

مشکلات ملوانان و خلبانان ناو آمریکا



آخ جووون! تخته شنا رو برداشتم. من و این همه خوشبختی محاله. محاله!...

وقت خودت رو با این فاضلاب خونگی ها تلف نکن. بیا بریم سمت توالت های ناو آمریکایی ببین چه خبره!

کارتون: شهرام شیرزادی

پس از انتشار اخباری از مشکلات روزانه کارکنان ناوهای آمریکا که در غرب آسیا لنگر انداخته اند، از افسردگی، خستگی، فشار روانی، دل تنگی برای خانواده، فرسودگی تجهیزات گرفته تا گرفتگی چاه سرویس بهداشتی ناوها که گفته می شود به خاطر امکان پذیر نبودن تعمیر روی دریا، صف هایی ۴۵ دقیقه ای جلو در توالت ها شکل گرفته است، سری زدیم به دفتر خاطرات یکی از ناخداهای این کشتی ها تا ببینیم در چه حال هستند.

ساترنی؛ صف خلا

امروز ساعت گرفتیم، دقیق نیم ساعت توی صف دلبیوسی بودم. دیگه داشت می ریخت که یکی از ملوانا جاش رو داد بهم تا زودتر برم. یادم باشه براش تشویقی رد کنم. از وقتی چاه خلا گرفته، نصفشون از کار افتادن. خدا بگم چی کار کنه باعث و بانی این وضع رو... ما رو علاف و انترو منتر، چند ماهه روی آب نگه داشته و هی می گه خواهیم دید چه می شود.

ساترنی؛ دل تنگ بچه

یکی از کاپیتانا گفت یک هفته بود نامزد کرده بودم که فرستادنم مأموریت. الان بچه م داره به دنیا می آد، ولی من هنوز این سر دنیا روی آب پشت در مستراح باید رژه برم. گفتیم حق داری، خود من هم همین بساطم. یک ماهه سگم هفت قلوزا دیده، ولی هنوز نتونستم حتی یک قلشون رو ببینم. دلم لک زده برای نوشیدنمای (غیرالکلی و مجاز- مترجم) خونه خودمون. ولی اینجا باید همه ش کوکا و پیسی بخورم و آروغ ناشتا بزمن. طفلی اومده بود پیشم خودش رو خالی کنه، ولی با دل پرتر از قبل برگشت سر پشتش.

ماندی؛ اعصاب قاطع

خواب بودم که با سروصدا دویدم روی عرشه. گفتن یکی از سربازا می خواسته خودکشی کنه. گویا رفته بوده بالای دماغه ناو تا خودش رو بندازه توی آب که نگهبان دیده و جلوش رو گرفته. طفلیا از بس فشار روانی روشونه، اعصابشون قاطعی کرده. البته که به عنوان ارشد دستور دادم بندازنش انفرادی. ولی به این فکر نکرده بوده که خیر سرت تو ملوانی و شنا بلدی. باید یه جور دیگه کار خودت رو می ساختی.

تیوزنی؛ بازی های محلی

امروز دریا خیلی طوفانی بود. به قول محلیا می گفتن دریا موجه کا کا. نصف بچه ها دچار حالت تهوع شده بودن. راستش خودم هم حال درستی نداشتم. برای اینکه به سربازا روحیه بدم، گفتم یه سری بازی جدید بکنم روی عرشه؛ بازیای محلی مثل «مای ولف تو ایر» که محلیا بهش می گن گرگم به هوا، یا «دانکی پلیس» و «الک دولک». چند ساعتی سر بچه ها گرم شد و غر نزدن.

ترزی؛ حقوق مفت

چند ساعتی اینترنت قطع بود. اعصاب بچه ها به هم ریخت. سیستم ناوبری کشتی هم به هم ریخته بود. فهمیدیم لنگر خورده به کابل کف دریا و پاره شده. ولی فرصت خوبی بود تا بین سربازا برم و باهاشون صحبت کنم. خیلی شاکمی بودن که بیکار روی دریا موندن. گفتم همه دنیا آرزو دارن جای شما باشن، حقوق و غذای مفت برای راست راست راه رفتن. فوقش روزی چندتا دراز و نشست می رین. یه کم آروم شدن.

فرایبی؛ خواهیم رید

چون کشورای همسایه امروز تعطیله، ما هم به بچه ها مرخصی دادیم؛ حالا نه که بقیه روزا خیلی کار داشتن! پرزیدنت هم کنفرانس خبری داشتن. همه توی سالن سینما جلو تلویزیون نشسته بودیم ببینیم چی می گن و بالاخره دستور حمله صادر می کنن یا نه. یه مقداری به همه عالم و آدم فحش دادن و آخرش هم گفتن خواهیم دید چه خواهد شد. هیچی به هیچی.

ورتنی (!)؛ زله طالبی بالابستر

برای ناهار استیک گوشت و لایستر دادن با سوپ و چند مدل دسر و تیرامیسو. معمولاً وقتی قراره بریم عملیات بهمون غذای خوب می دن، ولی هنوز خبری از فرماندهی سنتکام بهم نرسیده. پرس و جو کردم که چرا این غذا رو دادن. گفتن سرآشپز ناخوش احوال بوده، کمک آشپز شیطنت کرده و این غذاها رو پخته. باید تنبیهش می کردم، ولی زیرسبیلی رد کردم. چون انصافا دستپختش از سرآشپز خیلی بهتر بود؛ مخصوصاً ته دیگ مخصوص که برام گذاشته بود و زله طالبی ش.

باز هم سپر شوید

بدن باید بدانده که شما تا لحظه آخر هم ناامید نمی شوید. لقمه های کله گریه ای دقیقه نودی، سنتی دیرینه است. هر چه دم دستتان می آید، روی هم بخورید و نگران معده درد نباشید. به هر حال روزه بدون سختی که نمی شود!

بخوابید

همین که اذان را گفتند و نماز خواندید، فوری بخوابید. وظیفه شما در این ماه مبارک، فقط عبادت کردن است. خب، بهترین و آسان ترین عبادت هم که خواب است. دیگر این هنر معده است که چطور آن معجونی را که سحر خوردید، هضم کند!

هشیار باشید

راستی! همه این ها در حالی است که بتوانید بیدار شوید! در ابتدا باید هفتاد و سه نوع زنگ و هشدار برای بیدار شدن یک ربع پیش از اذان صبح ترتیب بدهید. بعد، بی توجه به فضیلت لحظات سحر، با سرعت هر چه تمام تر لقمه ها را بلعید. میان لقمه ها هم آن چنان آب بنوشید که تا ساعتی بعد، صدای امواج دریا بدهید!

